



محفل انس با قرآن ویژه مدیران - روز سه‌شنبه ۹۷/۴/۱۲

### تفسیر معنای جهل مرکب و ارتباط منافقان با شیطان در آیه‌های ۱۴ و ۱۵ سوره بقره

در آیه «الا انهم هم السفهاء و لكن لا يعلمون» اشاره شده است که آگاه باشید منافقان (خود) سفیه و بی‌خردند ولی نمی‌دانند.

جهل مرکب منافقان به این شکل است که به اعتقاد منافق، سفیه کسی است که به دین اسلام ایمان آورده است، درحالی که از نظر قرآن سفیه کسی است که به خدا و دین کافر شده است. در آیه ۱۳۰ سوره بقره آمده است که «و من یرغب من مله ابراهیم الا من سفه نفسه» کیست که از آیین ابراهیم (ع) روی برگرداند جز آن کسی که نادان و سفیه باشد و چه سفاهتی از این بالاتر که شخصی، سخنان پیامبر راستگو را بشنود و از آن روبرتابد!

دو نوع جهل مرکب و بسیط وجود دارد؛ جهل بسیط آن است که انسان چیزی را نداند ولی می‌داند که نمی‌داند و همین امر سبب می‌شود که در صدد یادگیری باشد و جهل مرکب آن است که انسان چیزی را نمی‌داند و به جهل خودش هم آگاه نیست که این گونه جهل درمان پذیر نیست زیرا غرور و بی‌خبری به وی اجازه نمی‌دهد که جهل خود را برطرف کند. خداوند سبحان در آیه «الا انهم هم السفهاء و لكن لا يعلمون» جهل مرکب را به منافقان نسبت می‌دهد و می‌فرماید که آگاه باشید که آنان (منافقان) خود، سفیه هستند ولی از سفاهت خود بی‌خبرند و نمی‌دانند که سفیه هستند (یعنی در جهل مرکب به سر می‌برند).

سفیه کسی است که بهای زیادی را می‌دهد و در عوض بهای کمتری را می‌گیرد و به عنوان نمونه کودک یک دوچرخه را می‌دهد و در عوض، یک توپ را می‌گیرد که به این نوع معامله سفیهی می‌گویند. منافق می‌گوید که شخص مومن سفیه است چون دنیای با این عظمت را می‌دهد و دنیای نقد را به آخرت خیالی می‌فروشد ولی مومن می‌گوید که منافق این دنیای پست و کوچک را به آخرت بزرگ می‌فروشد پس سفیه است، بنابراین منافقان خودشان در نادانی و سفاهت و جهل مرکب غوطه‌ور شده‌اند و خودشان هم نمی‌دانند.

آیه ۱۵ سوره بقره اشاره دارد که «واذا لقوا الذين آمنوا قالوا آمنا و اذا خلوا الى شياطينهم قالوا انا معكم انما نحن مستهزون» منافقان زمانی که با اهل ایمان ملاقات کنند گویند که ما مثل شما ایمان آوردیم (قالوا آمنا) ولی هرگاه با همفکران شیطان صفت خود خلوت کنند گویند که ما با شما هستیم، ما فقط اهل ایمان را مسخره می‌کنیم.

لقوا (لقی) یعنی دیدار کردند، ملاقات کردند و خلوا به معنای خلوت کردند، است. شیطان از شطن به معنای دور شده از خیر است و به هرکس که القای انحراف کند، بدکار و دور از حق باشد، خلق و خوی فریب‌گری ابلیس در وی باشد، به کسی که از رحمت خدا دور شده باشد و به هر عصیانگر سرکش و متمرّد چه انسان و چه جن و به ابلیس و کسی که تمرد، عصیانگری و وسوسه کند شیطان گفته می‌شود.

از کلمه خلوا می‌فهمیم که مومنان و مسلمانان در موضع قدرت بوده اند ولی منافقان در موضع ضعف بوده اند زیرا از ترس مسلمانان و مومنان به خلوتگاه‌های خصوصی می‌رفتند و نقشه‌کشی می‌کردند.

منافقان از مسلمانان و مومنان هراس دارند چون شهادت صداقت و رویارویی با مومنان را ندارند و بنابراین به طور مخفیانه جلسه‌های خصوصی برگزار می‌کنند. منافقان اهل مسخره کردن بودند و هستند چون می‌دانند که منطق اسلام، هر عقل سلیم را قانع می‌کند بنابراین برای اینکه مردم جذب اسلام نشوند با مسخره و استهزا و تحریف و تخریب شخصیت‌های دینی و نمادهای اسلامی وارد میدان می‌شوند